



امیرجوهری لنگرودی

amir_772@hotmail.com

درست یکماه و یکروز از تجمع برابر بیمارستان کسری تهران گذشت. تا به امروز خیابان همچنان سنگر ماست و تعطیل بردار نیست. حضور در خیابان که تبدیل به «جنبش خیابانی» شده، دیگر واکنش نیست بلکه آگاهانه به دنبال راهکار عقلانی و پاسخ به محرومیت‌هاست که وجه عمده‌اش نبود آزادی‌ست! دیروز و دیشب تجمع، راهپیمایی و جنگ و گریز خیابانی در شهرهای: آبدانان، ایلام، بندرعباس، پیرانشهر، مناطق مختلف تهران (اکباتان، صادقیه و...) زنجان، سنندج، مشهد، مهاباد و شهرهای خوزستان و... را شاهد بودیم! همچنین تجمعات دانش آموزان در مدارس و خیابان‌های شهرهای: اصفهان، بندر کنگ (در استان هرمزگان)، تبریز، تهران (اندیشه)، سنندج و ... در گزارش‌ها آمده است.

اعتصاب‌های پیوسته و سراسری دانشجویان کشور، پیامد اعتصاب، تحریم کلاس، تجمع و حضور بدون تفکیک جنسیتی در سلف سرویس دانشگاه‌های گوناگون ادامه دارد. از جمله‌ی آن‌ها می‌توان از: دانشگاه مدنی آذربایجان، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، دانشگاه هنر تبریز، دانشگاه خلیج فارس بوشهر، دانشگاه هرمزگان، دانشگاه آزاد شهرکرد، دانشگاه مازندران، دانشگاه یزد، دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، دانشگاه آزاد تهران واحد پردیس فاز ۶، دانشکده برق دانشگاه خواجه نصیر، و فراخوان جمعی از دانشجویان دانشکده فیزیک پردیس علوم برای تحصن و اعتراض در دانشکده و ... که اعتراضات در آن‌ها همچنان با استواری به پیش می‌رود!

بدین ترتیب، یکماه روز و شب پرشور در جامعه‌ی ایران بعد از قتل حکومتی مهسا (ژینا) امینی را پشت سر گذاشتیم و در خیابان ماندیم تا یارانمان از راه برسند که رسیدند. سرکردگان رژیم، با عصبیت ناشی از درماندگی، گند چال دهان خود را گشودند و ترهات بسیار یافتند.

پرسش بنیادی این است: چگونه می‌توان با سپاهیان کفن پوش مقابله کرد و در برابرشان سد و مانع ایجاد نمود؟ سپاهیان که فراتر از خیابان، به خانه‌ی هر کوشنده‌ی راه آزادی هجوم برده، به درون مدارس می‌روند و دانش آموزان را می‌ربایند، به دانشگاه‌ها راه می‌یابند و دانشجویان را بازداشت می‌کنند و به محیط‌های کار و کارخانه راه دارند و دسته و دسته کارگران معترض، کارگرانی که در حمایت و همراهی با خیزش عظیم مردم به صف اعتصابات سراسری پیوسته‌اند، می‌ریزند و کارگران را به دامچاله‌ی زندان و شکنجه‌گاه می‌برند؛ و فراتر از این‌ها، مانند یورش لباس شخصی‌ها به بیمارستان

امام خمینی شهر اردبیل، از سراسرتیصال جنایت جدیدی به کارنامه‌ی ننگین خویش می‌افزایند. به رقم فشار مضاعف بر اعتصابات، لیست پیوستن به اعتصاب سراسری رامی توان در پتروشیمی عسلویه- پالایشگاه آبادان- کارگاه مرکزی پارس جنوبی- فولادنی ریزفارس و بخشا نیشکر هفت تپه را باید افزود! دیروز دوشنبه ۲۵ مهر ماه ۱۴۰۱ با وجود اختلال و قطع دسترسی به شبکه‌ی اینترنت با وجود بی خبری، گزارش شده که تعداد ۲۴ ماشین یگان ویژه از مسیر بوشهر به سمت عسلویه گسیل داشتند تا پیوستن ستون گوناگون کارگران به اعتصاب را درهم شکنند. در دل چنین وضعیتی، باز دیروز اعلام شد: «جمعی از کارگران پیمانی فولاد غدیر نی‌ریز در استان فارس پس از اعلام نتایج آزمون استخدامی دست به تجمع اعتراضی مقابل ورودی مجتمع زدند و خواهان توضیح مسئولان فولاد شدند». پیوستن کارگران صنعتی فولاد غدیر به اعتصابات سراسری می‌تواند خشم نهفته‌ی دیگر بخش‌های صنعت فولاد - در اصفهان و اهواز و... - را نیز شعله‌ور سازد!

ما پیشتر در یادداشت‌های روزانه‌مان از دستگیری ۳۰ کارگریاد کردیم، ولی با وسعت یافتن شتاب در عمق یافتگی این مبارزه و خیز برداشتن دیگر بخش‌های کارگران به این پیکار و کار، دیروز تجلی نگرانی‌های ما در بیانیه‌ی سندیکای کارگران شرکت واحد، به تاریخ ۲۵ مهر ۱۴۰۱ بازتاب یافت: «گسیل نیروهای سرکوبگر از جمله صدها نیروی یگان ویژه و سرکوب و بازداشت کارگران پروژه‌های نفت در عسلویه را به شدت محکوم می‌کند. کلیه‌ی کارگران بازداشتی که ابتدا ۳۰ نفر و متعاقباً بیش از ۱۰۰ نفر اعلام شدند باید فوری و بدون قید و شرط آزاد شوند». فزونتر از این آورده شده: «بازداشت بیش از ۲۵۰ فعال کارگری و معلمی، از جمله فعالین شناخته شده‌ی سندیکای کارگران شرکت واحد و شورای هماهنگی تشکل‌های فرهنگیان، تنها در همین چند ماه اخیر، تداوم حبس برخی از آنها و قرار وثیقه‌های فوق‌العاده سنگین و نمایش‌های مکرر تلویزیونی و پاپوش دوزی و اعتراف گیری اجباری توسط نیروهای وزارت اطلاعات و صدا و سیما علیه فعالین معتبر کارگری، با هدف مهار جنبش کارگری و معلمی و از میدان خارج کردن فعالین کارگری و جرم‌انگاری تشکل و اعتراض و اعتصاب کارگری و ایجاد فضای رعب و وحشت و ناامیدی در صفوف کارگران بوده است» و می‌افزاید: «ما ضمن اعلام حمایت از کارگران پروژه ای نفت، از تمامی کارگران ایران، از جمله در بخش‌های حمل و نقل و رانندگان اتوبوس شهری، می‌خواهیم که همبستگی خود با اعتصاب کارگران پیمانی و پروژه ای نفت و با اعتراضات سراسری مردمی را از طرق امکان‌پذیر و مؤثر ابراز کنند و از همکاران گرامی خود درخواست می‌کنیم که با خرد و همبستگی جمعی بایکدیگر ریزنی و برنامه ریزی مشترک داشته باشند.»

ولی امروز تجلی این مبارزه‌ی نابرابر، به سویی می‌رود که از خود بپرسیم: چگونه باید این مسیر شتابنده را با کمترین هزینه پیش برد؟ و راه‌پیمایی در این مسیر، چگونه می‌تواند خود را در برابر سپاه مرگ، ایمن سازد تا تحقق شعار آغازین این جنبش «زن، زندگی، آزادی» با دیگر خواسته‌های بی پاسخ مانده در جامعه تماماً تحت سلطه‌ی دیکتاتورها، برای دستیابی به دادگری اجتماعی، زندگی برابر، آزادی بیان و اندیشه، پاسخگویی با نیازهای عمومی جامعه از جمله: آموزش رایگان، بهداشت عمومی، و هر آنچه که در شأن جامعه‌ای آزاد و برابر، فارغ از نابرابری اجتماعی ناشی از سلطه‌ی سرمایه داری و از خود بیگانگی حاصل از آن به‌شمار می‌رود، فراچنگ آید؟!!

راه دستیابی به این مهم، می‌تواند با پیوستن پُر شمار جویبارهای در حرکت خواسته‌های بنیادین، گروه‌های گوناگون اجتماعی (تبارها، زنان، جامعه‌ی روشنفکری ایران و همه‌ی سویه‌های نیروی رنج و کار جامعه اعم از مزد و حقوق بگیران (معلمان، بازنشستگان، پرستاران، بهیاران و...) با پیکره‌ی تنومند طبقه کارگر درهم آمیزد و سازمان بیاید تا به جنبشی سراسری و منسجم فرا رود. آنگاه است که از دستبرد چپاولگران و درکمین نشستگان دست پرورده و در نمک خوابانده برای روز مبادای دولت‌های سرمایه داری، در امان خواهد ماند. امید آنکه در ادامه‌ی مسیر مبارزه، این آرزو انسانی تحقق یابد ایدون باد!

سه شنبه ۲۶ مهر ۱۴۰۱ برابر با ۱۸ اکتبر ۲۰۲۲

<http://karegari.com>